



احداث ساختمان برای مؤسسه باقرالعلوم

یزدی کردم و گفتم: حاج آقا چند دقیقه عمامه را بردارید. تا مثل دو تا آدم عادی با هم حرف بزیم. آقای مصباح بشدت شوکه شدند و با تعجب گفتند: فرض کن من عمامه را برداشتم، یعنی چه آقا؟ حرفت را بزن. آقای نواب و قطبی هم که دستپاچه شده بودند به آیت الله مصباح یزدی هندوانه تعارف کردند و سعی کردند جو جلسه را آرام کنند. من عرض کردم: حاج آقا ۰٫۳ درصد یا ۳ در هزار از هر ال سسی در بانک‌های دنیا برای هر خرید و فروش و معامله نفی و غیرنفی به حساب واتیان کن واریزی می‌شود. ایشان پرسیدند: ال سسی چیست؟ گفتم: گشایش اعتبار اسنادی برای توسعه مسیحیت و اسلام‌زدایی. برنامه این است که تا سال ۲۰۳۵ دین را به یک منوی دلخواه شخصی و خصوصی تبدیل کنند و برای این کار از کودکستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، فیلم و سینما، تلویزیون، روزنامه، مجله، کتاب و همه ابزارهای خودشان استفاده می‌کنند. یک تحقیقی را ۹ سال است در کانادا انجام داده‌اند و از صدر اسلام زندگانی،

کلمات و گفتار و رفتار ائمه معصومین و بزرگان شیعه، دانشمندان، علما و مجتهدین بنام شیعه را مطالعه کرده‌اند که خطوط ناظم تفکر شیعه را بشناسند و برای از بین بردن تفکر شیعه از خود شیعیان استفاده کنند، حالا جنابعالی که حضرت امام شما را انتخاب کرده‌اند که به حوزه علمیه قم بروید و با استفاده از ظرفیت‌های حوزه، خطوط ناظم معماری تفکر شیعه را استخراج کنید و مبانی نظری و تئوریک یک نظام شیعی انقلابی را استخراج و تدوین کنید، بعد از چند سال می‌خواهید روی یک ساختمان قدیمی که متعلق به یک معاود عراقی به نام آقای سید هاشمی است و چندین بار خواسته این محل استیجاری را تخلیه کنید و شکایت شما را به آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی کرده است، بدون اذن و اجازه او یک طبقه اضافه کنید؟ در اینجا آقای آیت‌الله مصباح یزدی عملمه‌اش را برداشت و گفت: چه کنیم؟ امکاناتی در اختیار ما نیست. گفتم: به چند شرط من در عرض یک سال یک مجتمع حدود ۲۰ هزار مترمربعی برای شما می‌سازم تا بتوانید برنامه‌های لازم را با توجه به حجم توطئه‌ها و نیازها اجرا کنید. ایشان گفتند: نزدیک مدرسه معصومیه قم یک قطعه زمین است که می‌توانیم بگیریم. من گفتم همان‌جا خوب است. آنجا را می‌سازیم، ولی شرط من اینهاست: اول اینکه شما طلاب باهوش، بااستعداد و باانگیزه را جذب کنید و به موازات دروس حوزوی، به زبان‌های خارجی اعم از انگلیسی، فرانسوی، اسپانیولی، چینی، روسی و عربی نیز آنها را مسلط کنید تا هر طلبه حداقل یک زبان بین‌المللی را به خوبی زبان مادری بلدان، زیرا اگر مسلط به زبان باشد و قرآن و کتب دینی ما را درست ترجمه کند و لازم نباشد از مترجم یهودی و مسیحی استفاده کند، بسیاری از مردم جهان شیعه خواهند شد. بعد توضیح دادم من به کشورهای زیادی سفر کرده‌ام. در آرژانتین به یک

روحانی به نام حجت‌الاسلام معلم برخورد کردم که هفت سال در آرژانتین زبان اسپانیولی و زبان محلی آنها را با دقت و جدیت خوانده بود، بعد یک حوزه با کمک خیرین همان کشور تأسیس کرده بود و ۹۰۰ طلبه داشت که بیش از ۱۰۰ نفر آنها دکتری داشتند. به یکی از اساتید آنجا که بیش از ۱۳۰ جلد کتاب و مقاله داشت و قبلاً یک مارکسیست دوآتشه بود و شیعه شده و در یک حجره ۳ در ۲ زندگی می‌کرد، گفتم: چرا شیعه شدی؟ دکمه‌های پیراهنتش را باز کرد و دیدم روی زیرپیراهنش عکس امام خمینی (ره) بود. گفت به خاطر حرف و اقدامات این مرد این زیرپیراهن را پوشیده‌ام که با صدای قلمب او را احساس کنم. این آقای معلم کار ویژه‌ای نمی‌کرد جز خواندن آیات قرآن و برخی ادعیه و احکام و ترجمه دقیق و صحیح آن و پاسخگویی درست به سؤالات و شبهات؛ لذا امروز دیگر نمی‌شود اسلام و تشیع را با مترجم مسیحی، یهودی و بودایی گسترش داد. دوم اینکه به طلاب آموزش بدهید که از کامپیوتر و ابزارهای رسانه‌ای استفاده کنند. امروزه منبرها چوبی نیستند و داریم به سمت منبرهای رسانه‌ای پیش می‌رویم و باید بتوانیم با ابزار تکنولوژی محتوای مذهب خودمان را ارائه کنیم، زیرا نسل‌های جوان تشنه نوآوری، خلاقیت و استفاده از تکنولوژی هستند. سوم اینکه در این مجموعه، تولید محتوا، تدوین، تکثیر و نشر در سطح جهانی صورت گیرد، نه از موضع تدافعی بلکه از موضع معرفی. اینکه شیعه کیست، تشیع چیست و نظریه‌پردازی و کارهای علمی و تئوریک مورد نظر قرار گیرد تا پویایی مذهب شیعه را نشان بدهد. بدون اینکه بخوایم پنجه در افکار، عقاید و باورهای دینی دیگران بکشیم، صرف معرفی علمی و حرف‌های شیعه باعث جذب بسیاری از جوانان در داخل و خارج از کشور خواهد شد.

بعد از این بحث‌ها توافق کردیم که آقای مهندس دی‌شیدی که در آستان قدس بود نقشه‌های معماری را تهیه کند و ما محاسبات سازه‌ای را انجام بدهیم و کار اجرایی را شروع کنیم. من گفتم بعد از تکمیل سفت‌کاری، خدمت‌مقام معظم رهبری و آقای هاشمی‌رفسنجانی می‌رسیم و از هر کدام ۳۰ درصد هزینه می‌گیریم، خود آقای مصباح یزدی هم از خیرین ۳۰ درصد دیگر را تهیه کنند و ۱۰ درصد را نیز ما از خیرینی که می‌شناسیم جمع‌آوری می‌کنیم. آقای مهندس ابوالفتحی که سال‌ها مدیرکل مسکن و شهرسازی بود و آقای قربان‌پور را متولی کار کردم و با نصب پینچ پلانت و استقرار ماشین‌آلات و جرثقیل‌ها، ۲۲۵۰۰ مترمربع ساختمان را ظرف ۸ ماه با کیفیت عالی ساختم و تحویل دادیم. از این مرکز تاکنون تعداد زیادی طلبه تحصیلکرده، فاضل و مسلط به زبان فارغ‌التحصیل شده‌اند و در نقاط مختلف کشور و جهان مشغول خدمت هستند. پول و هزینه‌ها را نیز پس از تکمیل کار از آقای هاشمی‌رفسنجانی، مقام معظم رهبری و آقای مصباح یزدی گرفتیم.

احداث ساختمان جدید مهدیه تهران

در سال ۱۳۷۳ آیت‌الله محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه و رئیس هیأت امنای مهدیه تهران، یک روز من را به جلسه‌ای دعوت کرد که در جلسه آقای حسن کافی، حجت‌الاسلام نوری شاهرودی، حجت‌الاسلام حسینی و چند نفر دیگر هم حضور داشتند. ایشان فرمود: مرحوم حجت‌الاسلام کافی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مهدیه تهران خیلی به اسلام و نسل جوان مذهبی خدمت کرده‌اند و الحمدلله اخوی آقای کافی هم بعد از ایشان با برگزاری مراسم دعای کمیل و دعای ندبه و مراسم اعیاد و عزاداری‌ها، مهدیه تهران را به یک مرکز فرهنگی و مذهبی بسیار فعال و تأثیرگذار تبدیل کرده‌اند. در زمان جنگ تحمیلی هم مهدیه تهران به یک پایگاه مهم پشتیبانی جبهه‌ها تبدیل شده بود. ما نامه‌ای به محضر امام نوشتیم که اجازه بدهند ما مهدیه را نوسازی و توسعه بدهیم. حضرت امام مرقوم فرمودند: بعد از جنگ تحمیلی مهدیه تهران را با عظمت بسازید؛ لذا ما در طول جنگ تحمیلی با همین وضعیت کار را ادامه دادیم. حالا که جنگ تحمیلی تمام شده دعای‌های مهندسان معمار را دعوت کرده و گفته‌ایم یک طرح و ایده‌ای بدهند که پس از بررسی و تصویب در جلسه هیأت مدیره و هیأت امنای مهدیه ساختمان جدید را شروع کنیم. این طرح‌ها تهیه و بررسی شد و درنهایت یک طرح و نقشه‌های معماری با تأیید هیأت‌داوران انتخاب شد که تأیید هیأت‌امنا را نیز گرفت و برآن اساس پروانه ساختمانی شهرداری را نیز گرفته‌ایم و می‌خواهیم شما از ظرفیت شرکت مترو استفاده کنید و این طرح را در زمان کوتاهی با حفظ کیفیت انجام دهید.

محضر امام نوشتیم که اجازه بدهند ما مهدیه را نوسازی و توسعه بدهیم. حضرت امام (ره) مرقوم فرمودند: بعد از جنگ تحمیلی مهدیه تهران را با عظمت بسازید؛ لذا ما در طول جنگ تحمیلی با همین وضعیت کار را ادامه دادیم. حالا که جنگ تحمیلی تمام شده عده ای از مهندسان معمار را دعوت کرده و گفته‌ایم یک طرح و ایده‌ای بدهند که پس از بررسی و تصویب در جلسه هیأت مدیره و هیأت امنای مهدیه ساختمان جدید را شروع کنیم. این طرح‌ها تهیه و بررسی شد و در نهایت یک طرح و نقشه‌های معماری با تأیید هیأت‌داوران انتخاب شد که تأیید هیأت‌امنا را نیز گرفت و برآن اساس پروانه ساختمانی شهرداری را نیز گرفته‌ایم و می‌خواهیم شما از ظرفیت شرکت مترو استفاده کنید و این طرح را در زمان کوتاهی با حفظ کیفیت انجام دهید. البته هزینه‌ها را ما تعهد کرده و می‌پردازیم. گفتم: با کمال میل حاضرم مهدیه تهران را بسازم، ولی از نظر مقرراتی که داریم بایستی جناب آقای علی محمد بشارتی، وزیر کشور که ریاست مجمع عمومی ما را برعهده دارند، موافقت کنند و به صورت مکتوب اجرای طرح را به مترو ابلاغ کنند یا مصوبه مجمع عمومی مترو را گرفته و سپس شروع به کار کنیم. آیت‌الله بزدی گفتند: من با آقای بشارتی صحبت می‌کنم و نامه را می‌نویسم. چند روز بعد (در تاریخ ۱۳۷۳/۰۵/۲۴ نامه‌ای با شماره ۱/۲۰۳۳/م به شرح پیوست به آقای بشارتی نوشتند و ایشان پس از هماهنگی با اعضای مجمع، در تاریخ ۱۳۷۳/۰۶/۲۲ طی نامه شماره ۱۳۳/۴۲/۱۳/۳۵ تصویرپیوست موافقت خود را اعلام کردند. ما برای تحویل گرفتن مهدیه و جمع‌آوری ستون‌ها و سقف حلبی و شیروانی و تخریب ساختمان‌های قدیمی همان روز به مهدیه رفتیم. آیت‌الله محسن مجتهد شبستری در مهدیه کلاس‌های درس داشتند و همزمان نماینده مجلس شورای اسلامی هم بودند. نزد ایشان رفتم و شرح مآوقع را گفتم. ایشان گفتند: ما تازه کلاس‌های درس را شروع کرده‌ایم و تا پایان دوره که حوالی آخر سال می‌شود کار را عقب بیندازید. من گفتم: ما تعهد کرده‌ایم در اسرع وقت این ساختمان عظیم را بسازیم و امکان ندارد. ما از فردا شروع می‌کنیم. ایشان عصبانی شد و به ترکی گفت: باید از روی جنازه من رد شوید مگر می‌گذارم. من هم به ترکی گفتم: حاج آقا نفرمایید ما جسارت نمی‌کنیم، ولی برای بردن وسایل جناب‌عالی و طلبه‌ها فردا کامیون و وانت می‌آوریم، لطفاً بفرمایید کجا باید ببریم. و آنجا را ترک کردیم.

فردا صبح آقای مهندس بهرام احمدی و مهندس هوشنگ نورعلی و مهندس ایرج اسکندری را با حدود ۵۰ نفر کارگر که لباس کار زرد، کلاه ایمنی، دستکش نو و چکمه پوشیده بودند به همراه چند دستگاه جرثقیل و لودر و کامیون به مهدیه بردیم و تخریب را از گوشه جنوب غربی شروع کردیم. طلبه‌ها به آیت‌الله مجتهد شبستری اطلاع دادند. ایشان سراسیمه آمدند و گفتند: این چه کاری است که انجام می‌دهید؟ ما گفتم: باید



ما پناهگاه را با لحاظ کردن

موارد مطروحه و آخرین استانداردهای سازه‌های بتنی پناهگاهی زیرزمینی امریکا که با صرف ۱۰ هزار دلار هزینه توسط یکی از اساتید سازه و زلزله برای طراحی مترو آورده بودیم، برای شروع کار آقای مهندس میرزاده، فردا بعدازظهر یک گونی اسکناس که حدوداً ۱٫۵ میلیون تومان می‌شد به من دادند و ما کارگاه را در چند کانتینر که در گوشه شمالی خیابان پاستور به سمت خیابان ولیعصر گذاشته بودیم، تجهیز کرده و حفاری و تخلیه خاک‌ها را شروع کردیم. روزی که داشتیم بتن کف را می‌ریختیم، باران آمده بود و باد هم می‌آمد و درختان چنار بلندی که در ضلع شرقی خیابان فلسطین بود تکان‌های شدیدی می‌خوردند و خطر رانش آن دیوار وجود داشت

ساخت و ساز در مهدیه تهران

در سال ۱۳۷۳ آیت‌الله محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه و رئیس هیأت امنای مهدیه تهران، یک روز من را به جلسه‌ای دعوت کرد که در جلسه آقای حسن کافی، حجت‌الاسلام نوری شاهرودی، حجت‌الاسلام حسینی و چند نفر دیگر هم حضور داشتند. ایشان فرمود: مرحوم حجت‌الاسلام کافی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مهدیه تهران خیلی به اسلام و نسل جوان مذهبی خدمت کرده‌اند و الحمدلله اخوی آقای کافی هم بعد از ایشان با برگزاری مراسم دعای کمیل و دعای ندبه و مراسم اعیاد و عزاداری‌ها، مهدیه تهران را به یک مرکز فرهنگی و مذهبی بسیار فعال و تأثیرگذار تبدیل کرده‌اند. در زمان جنگ تحمیلی هم مهدیه تهران به یک پایگاه مهم پشتیبانی جبهه‌ها تبدیل شده بود. ما نامه‌ای به محضر امام نوشتیم که اجازه بدهند ما مهدیه را نوسازی و توسعه بدهیم. حضرت امام مرقوم فرمودند: بعد از جنگ تحمیلی مهدیه تهران را با عظمت بسازید؛ لذا ما در طول جنگ تحمیلی با همین وضعیت کار را ادامه دادیم. حالا که جنگ تحمیلی تمام شده دعای‌های مهندسان معمار را دعوت کرده و گفته‌ایم یک طرح و ایده‌ای بدهند که پس از بررسی و تصویب در جلسه هیأت مدیره و هیأت امنای مهدیه ساختمان جدید را شروع کنیم. این طرح‌ها تهیه و بررسی شد و درنهایت یک طرح و نقشه‌های معماری با تأیید هیأت‌داوران انتخاب شد که تأیید هیأت‌امنا را نیز گرفت و برآن اساس پروانه ساختمانی شهرداری را نیز گرفته‌ایم و می‌خواهیم شما از ظرفیت شرکت مترو استفاده کنید و این طرح را در زمان کوتاهی با حفظ کیفیت انجام دهید.

قبل از شروع فصل باران و برف زیرزمین و طبقه اول را با این وسعت زیاد بسازیم و نمی‌توانیم کار را به تأخیر بیندازیم. حدود نیم ساعت بعد حجت‌الاسلام ناطق نوری، که رئیس مجلس شورای اسلامی بودند، زنگ زدند و گفتند: چه کار کرده‌اید که آیت‌الله مجتهد شبستری این قدر عصبانی و شاکی شده است؟ من شرح ماجرا را گفتم. آقای ناطق نوری فرمودند: چون به من گفته و درخواست کرده است تا پایان اسمال کار عقب بیفتد. شما ۴۸ ساعت کار را عقب بیندازید تا یک محل برای برگزاری کلاس‌های ایشان تهیه کنیم و بعد شروع کن. من به بچه‌ها گفتم: ۴۸ ساعت در مهدیه می‌مانیم و با هیچ‌کس هم درگیر نمی‌شویم. با توجه با بالا بودن سطح آب زیرزمینی، نحوه تخریب، جداسازی، تخلیه و خاک‌برداری تا عمق منهای ۸ متر برنامه‌ریزی کرده و با شهرداری هم برای تخلیه نخاله‌ها هماهنگ کنید.

انشعابات آب و برق و گاز و تلفن را نیز از طریق آقای کافی با سازمان‌ها و شرکت‌های مربوطه هماهنگ کنید که با اصلاحات بعدی، در محل‌هایی که تعیین می‌کنیم مجدداً در تاریخی که مورد نیاز است برقرار شود. بعد از ۴۸ ساعت، تخریب را با قدرت و توان زیاد و به کارگیری حدود ۲۰۰ نفر نیرو آغاز کردیم و فقط یک قسمت شمال شرقی را که حدود ۲۰۰ مترمربع بود نگه داشتیم و با عوامل مهدیه و تعدادی از طلبه‌ها که در همین ۴۸ ساعت همراه خودمان کرده بودیم، همه وسایل را بار زدیم و به کارگاه قورخانه بردیم.

نخاله‌ها نیز بارگیری و به کارگاه جوانمرد قصاب انتقال یافت. آیت‌الله مجتهد شبستری که آمدند و دیدند خبری از ساختمان‌های مهدیه نیست و لودر و بولدورزها مشغول کندن زمین و بارگیری خاک‌ها هستند به من گفتند: بالاخره کار خودت را کردی؟ من عرض کردم: حاج آقا اجرای فرمان حضرت امام بود که جناب‌عالی سه روز در آن وقفه ایجاد کردید. اوامرد ما برای این کارتان حجت شرعی داشته باشید. من فقط انجام وظیفه کردم و برای این سه روز تأخیر هم بایستی تا پایان یافتن کار استغفار کنیم. ایشان با تلخی رفتند، ولی کار با یک اراده جدی و خالصانه دنبال شد. پس از یک سال در زیرزمین و بخشی از طبقه اول مراسم دعای کمیل، دعای ندبه، اعیاد و سوگواری‌ها برگزار می‌شد. درنهایت ظرف مدت سه سال مهدیه تکمیل شد که البته حدود ۹ ماه آن به دلیل مشکلات مالی و برگزاری مراسم، کارگاه تعطیل بود. و امروز مهدیه تهران امکان برگزاری مراسمی با حضور ۱۰ هزار نفر را دارد بدون اینکه خیابان ولیعصر بسته شود. همچنین امکان طبخ ۱۸ هزار پرس غذا در هر وعده در آشپزخانه آن وجود دارد. علاوه بر اینها، درمانگاه و کلاس‌های درس و صندوق قرض‌الحسنه، که در این مجموعه قرار دارد، یکی از مراکز فعال مذهبی و فرهنگی و تأثیرگذار در بین نسل جوان و متدینین تهران است. هزینه‌ها را هم مقام معظم رهبری، آقای هاشمی رفسنجانی و خیرین تأمین و پرداخت کردند.



برش

به آقای مهندس نورعلی گفتم بالای ترانشه بایستد و به شکافی که در پیاده روی ایجاد شده و شاید نیم سانتی‌متر می‌شد، به دقت توجه کند و اگر بیش از دو سانتی‌متر شد به من اشاره کند تا حدود سی چهل نفر را که مشغول بتن‌ریزی و کار بودند از ترانشه خارج کنم. قرار بود آقای مهندس نورعلی به ازای هر نیم سانتی‌متر یک انگشت خودش را به من نشان دهد. او بعد از نیم ساعت یک انگشت و بعد از ۴۵ دقیقه دو انگشت و بعد از یک ساعت سه انگشت خودش را نشان داد، ولی بعداً دیدم که دو دستی دارد به سروکه خودش می‌زند. از قبل به بچه‌ها گفته بودم وقتی گفتم: حرکت! هرکس هرچا هست رها کند و به سمت جنوب غربی ترانشه فرار کند. من چند بار گفتم: حرکت! و خودم هم به سمت جنوب غربی ترانشه رفتم. کل درختان چندین ساله و بلند چنار با حجم بالایی از شن و ماسه مثل آتشبار وارد شفت شدند. بلافاصله اره‌های برقی را آوردیم و تا صبح کل درختان را به قطعات قابل حمل تبدیل کردیم و توسط کمپرسی از ضلع جنوبی خارج کردیم و پس از ایمن‌سازی، پناهگاه را ساختم و ایزوله و آسفالت خیابان را انجام دادیم و جدول‌ها را تمیم کردیم. در این فاصله تونل دسترسی که با روش NATM ساخته بودیم به زیراتاق برگزاری جلسات هیأت دولت رسیده و از طریق شفت و راه‌پای‌های که احداث کرده بودیم، ارتباط با پناهگاه برقرار شد. شاید یکی از محکم‌ترین سازه‌های زیرزمینی خاورمیانه که در مقابل انواع موشک‌ها و زلزله مقاوم باشد این پناهگاه است. از دستور تا تحویل ۹۰ روز یا ۹۰ شبانه‌روز طول کشید و درحال حاضر به عنوان محل نگهداری اسناد از آن استفاده می‌شود.